

مطالعات اقتصاد مقاومتی: غلبه متن پژوهی بر نظریه و واقعیت!

وحید مقدم*

هادی امیری**، آرمان روشندل***

چکیده

مطالعات اقتصاد مقاومتی برای آن‌که بتوانند راه‌گشا باشند و مشکلات عملی کشور را حل کنند، اولاً، باید مبانی نظری قوی داشته باشند، ثانیاً، براساس چالش‌های کشور به ارائه راه‌حل پردازند، ثالثاً، هرکدام بر حوزه خاصی متمرکز شوند، و رابعاً این کار را پژوهش‌گرانی متمحض در این حوزه مطالعاتی انجام دهند. این مقاله با تحلیل محتوای ۷۶ مقاله علمی و پژوهشی در هشت محور به نقد مطالعات پرداخته است. یافته‌های تحقیق عبارت‌اند از: تمرکز عمده بر سخنان رهبری، کم‌پرداختن به مسائل اصلی اقتصاد کشور، عدم ارائه راه‌کارهای عملیاتی، عدم جامع‌نگری، موردمحور نبودن مطالعات، کم‌عمق بودن مطالعات ارزیابی عملکرد اقتصاد، تخصصی‌نشدن نویسندگان، و درنهایت عدم درک جامع از اقتصاد مقاومتی. به‌طور خلاصه به نظر می‌رسد که به‌نوعی متن پژوهی بر نظریات و واقعیات اقتصادی غلبه کرده است. پیش‌نهادهای پژوهش حاضر برای پیشرفت گفتمان اقتصاد مقاومتی، بهره‌گیری از چهار منبع معرفتی معارف اسلامی، منظومه فکری رهبری، دانش اقتصادی، و تجربیات عملی به‌صورت هم‌زمان است. هم‌چنین رصد و پایش مطالعات اقتصاد مقاومتی عاملی بسیار مهم در پیش‌برد

* دانش‌آموخته اقتصاد، استادیار دانشکده الهیات و معارف اهل بیت، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

v.moghadam@ahl.ui.ac.ir

** استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه اصفهان، h.amiri@ase.ui.ac.ir

*** کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه اصفهان، مدرس دانشگاه فنی، آموزشکده فنی و حرفه‌ای خوارزمی شهرضا،

Arman.roshandel@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۰

مفهوم اقتصاد مقاومتی معرفی شده است. در نهایت، پیش‌نهاد شده که با شاخص‌سازی برای سنجش اقتصاد مقاومتی در کشور به گفتمان‌سازی آن کمک شود.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی، سیاست‌گذاری اقتصادی، تحلیل محتوا.

۱. مقدمه

«راه‌برد اقتصاد مقاومتی برای نخستین بار توسط مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۹ در دیدار با جمعی از کارآفرینان کشور مطرح گردید». مضمون این جمله در اکثر مطالعات اقتصاد مقاومتی به چشم می‌خورد. در واقع، شروع کار اکثر مقالاتی که درباره اقتصاد مقاومتی نوشته شده با مضامین صحبت‌های رهبری بوده و عموماً با تعاریف ایشان از اقتصاد مقاومتی ادامه می‌یابد. البته درست است که ایشان مبدع این اصطلاح‌اند و بیانات متعددی در مورد آن داشته‌اند، اما در عین حال خود ایشان از جامعه دانشگاهی خواسته‌اند که ادامه راه و نقشه و روند حرکت را طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی کنند. در واقع، بیانات اخیر ایشان نشان‌دهنده نارضایتی از وضعیت موجود مطالعات اقتصاد مقاومتی است که باید توسط استادان دانشگاه‌ها مرتفع شود.^۱ از این رو، ایشان آسیب‌شناسی و گره‌گشایی از تلاش‌ها و فعالیت‌های کلانی که به نتیجه مطلوب نمی‌رسد را از زمینه‌های نقش‌آفرینی استادان دانشگاه‌ها دانسته‌اند. این در حالی است که با گذشت چندین سال از مطرح‌شدن راه‌برد کلان اقتصاد مقاومتی، مطالعات فراوانی در قالب مقاله، طرح پژوهشی، کتاب، پایان‌نامه، و مانند آن انجام شده است. لذا به نظر نمی‌رسد مشکل از ناحیه کمبود مطالعات باشد، بلکه می‌تواند از ناحیه کیفیت مطالعات بوده باشد. بدین لحاظ هم‌اکنون نیاز به ارزیابی کیفیت مطالعات انجام‌شده احساس می‌شود. مطالعه حاضر با چنین هدفی سامان پذیرفته، اما به دلیل وسعت دامنه مطالعات در حوزه اقتصاد مقاومتی خود را محدود به مقالات علمی - پژوهشی منتشر شده به زبان فارسی می‌کند. با وجود این، به نظر می‌رسد ارزیابی این دسته از مطالعات تا حد بسیار زیادی وضعیت پژوهشی در این حوزه را روشن می‌کند، زیرا اولاً مقالات پژوهشی طبق تعریف باید در مرز دانش قرار داشته و سهمی در تولید علم داشته باشند، ثانیاً، معمولاً مهم‌ترین یافته‌های پایان‌نامه‌ها و طرح‌های پژوهشی در قالب مقاله منتشر می‌شود. این مقاله با ارائه پیشینه پژوهش آغاز شده و مقالاتی که مستقیماً به نقد مطالعات اقتصاد مقاومتی پرداخته‌اند را بررسی کرده است. در ادامه، روش تحقیق و جامعه آماری مقاله آمده است. در بخش چهارم به نقد مقالات منتخب در هشت حوزه پرداخته و پایان‌بخش مقاله جمع‌بندی و نتیجه‌گیری است.

۲. پیشینه پژوهش

با وجود گذشت هفت سال از شروع مطالعات اقتصاد مقاومتی، مطالعات انتقادی چندانی در این زمینه انجام نشده است. تنها مطالعات یافت شده در ویژه نامه اقتصاد مقاومتی مجله پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی منتشر شده است که در آن سه مقاله انتقادی قریبی (۱۳۹۵)، زراءنژاد (۱۳۹۵)، و میرجلیلی (۱۳۹۵) به چشم می خورد.

قریبی (۱۳۹۵) در مطالعه خود با عنوان «رویکرد انتقادی درباره برداشت های رایج از اقتصاد مقاومتی در متون اقتصادی در ایران»، چهار برداشت رایج از اقتصاد مقاومتی در متون اقتصادی را بررسی و نقد می کند. اول مترادف دانستن اقتصاد مقاومتی با اقتصاد اسلامی که از نظر وی صحیح نیست، زیرا در این صورت نیازی به جعل اصطلاح نبود. هر چند مقاومت سازی اقتصاد در باطن اقتصاد اسلامی وجود داشته و بخش محدودتری از آن است؛ دوم اقتصاد تحریم محور که با جامعیت اقتصاد مقاومتی سازگار نیست؛ سوم اقتصاد تاب آور و فزیت اقتصادی که بیش تر ناظر به تکانه های اقتصادی بین المللی است و در حوزه فرهنگ اقتصادی و اصلاح فرهنگ اقتصادی هیچ گونه دستورالعملی ندارد؛ و بالاخره چهارمین برداشت اقتصاد ریاضتی است، در حالی که اقتصاد مقاومتی برخلاف سیاست های کوتاه مدت اقتصاد ریاضتی، سیاست های بلندمدت دارد و راه حل کلیدی و اساسی رفع مشکلات اقتصادی کشور است (قریبی ۱۳۹۵). با وجود این نقدها، اما نویسنده تعریف مدنظر خود از اقتصاد مقاومتی را بیان نمی دارد.

زراءنژاد (۱۳۹۵) با نقد کتاب تحلیلی بر شاخص های کلان اقتصادی در ایران با رویکرد اقتصاد مقاومتی نشان می دهد که کتاب چالش های عمده اقتصاد ایران طی دهه های اخیر را در وابستگی به نفت، جنگ تحمیلی، پایین بودن بهره وری، عمق کم بازارهای پولی و مالی، و تحریم های بین المللی خلاصه کرده است و برای رفع این چالش ها، به پیش نهاد راه کارهایی غالباً کلی و تکراری می پردازد که ارتباط آن ها با اقتصاد مقاومتی بدون توضیح مانده است. از جمله این راه کارها می توان به «بازآفرینی نقش دولت، توانمندسازی، آزادسازی، توسعه فضای رقابتی، بهبود فضای کسب و کار، کاهش وابستگی به نفت، جذب سرمایه های خارجی، و توسعه بازارهای پولی و مالی» اشاره کرد (زراءنژاد ۱۳۹۵: ۴۷).

این اثر به دلیل استفاده از آمار نسبتاً زیاد در بررسی روند تغییرات و ارتباط آن با مقاومت اقتصادی از طریق تکانه های جنگ، قیمت نفت و تحریم، نسبت به بسیاری از آثار مشابه، که غالباً ساختار خطابه ای و غیر آماری دارند، برتری دارد (همان).

میرجیلی (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان «بررسی و نقد متون خارجی در زمینه مقاومت و تاب‌آوری اقتصادی» به این نتیجه می‌رسد:

مهم‌ترین نقدهای وارده به متون خارجی در زمینه تاب‌آوری اقتصادی عبارت‌اند از: فقدان جامع‌نگری در تعریف و تحلیل ابعاد تاب‌آوری اقتصادی، عدم بررسی تبعات پس از وقوع شوک نامطلوب در حد لازم، نارسایی شاخص‌های مقاومت و تاب‌آوری اقتصادی، لحاظ نکردن ابعاد اقتصاد سیاسی مقاومت و تاب‌آوری اقتصادی و ساختارهای انعطاف‌ناپذیر، ظرفیت‌سازی برای تاب‌آوری و مقاومت اقتصادی و سیاست‌های کلان اقتصادی برای تاب‌آوری اقتصادی.

۳. روش تحقیق و جامعه آماری

در این مقاله، روش تحلیل داده‌ها به دو صورت کیفی و کمی با تمرکز بر روش کیفی انجام می‌گیرد. پس از جمع‌آوری مقالات، برخی جنبه‌های عمدتاً کمی آن‌ها مورد تحلیل قرار می‌گیرند. اما در برخی ابعاد دیگر، انتخاب مورد تحلیل به صورت هدف‌مند انجام می‌شود. یعنی موردی انتخاب شده که در زمینه مورد بررسی از محتوای غنی‌تری برای تحلیل برخوردار باشد. این کار تا زمان اشباع داده‌ها صورت می‌گیرد.

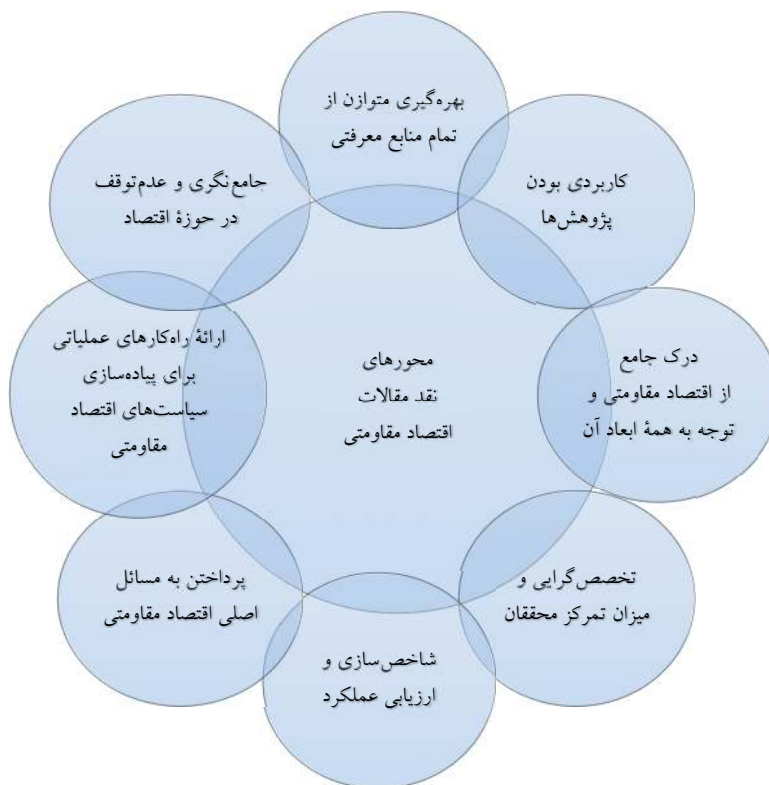
در مورد جامعه آماری، همان‌گونه که گفته شد، مقالات دارای رتبه علمی - پژوهشی واحد زیادی نماینده مطالعات در یک حوزه هستند. برای انتخاب محتوای تحلیل، مقالاتی انتخاب می‌شوند که خود نویسنده آن را در حوزه اقتصاد مقاومتی قلمداد کرده باشد و این کار را از طریق استفاده از عبارت «اقتصاد مقاومتی» در عنوان یا حداقل واژگان کلیدی انجام داده باشد. پس از جست‌وجوهای متعدد به‌ویژه با استفاده از دو پایگاه معروف نشریات علمی یعنی سایت جهاد دانشگاهی و نورمگز، نهایتاً ۷۶ مقاله به دست آمده و مورد تحلیل قرار گرفت. مطالعات اقتصاد مقاومتی برای آن‌که بتوانند راه‌گشا باشند و مشکلات عملی کشور را حل کنند، اولاً باید مبانی نظری قوی داشته باشند، ثانیاً براساس چالش‌های کشور به ارائه راه‌حل پردازند، و ثالثاً هرکدام بر حوزه خاصی متمرکز شده و رابعاً این کار توسط پژوهش‌گرانی متمحض در این حوزه مطالعاتی انجام شود و در نهایت و به‌عنوان عامل پنجم سیاست‌هایی که با عنوان اقتصاد مقاومتی وضع و اجرایی شده‌اند، باید بررسی شده و نتایج آن به‌عنوان بازخورد به نظام قانون‌گذاری و اجرایی کشور بازتاب داده شود.

هنگامی مطالعات اقتصاد مقاومتی می‌توانند از مبانی نظری قوی بهره‌مند باشند که از چهار منبع معرفتی استفاده کنند: ۱. معارف اسلامی در قالب قرآن، روایات، فقه، تفسیر، و

غیره؛ ۲. منظومه فکری رهبری به عنوان مبدع این استراتژی کلان که سه لایه اندیشه حول اقتصاد مقاومتی، حول اقتصاد، و کل اندیشه ایشان را شامل می شود؛ ۳. دانش اقتصادی شامل مکاتب ارتدکس و هترودکس (دگراندیش)؛ ۴. تجربیات عملی جهانی در مقابله با انواع تکانها و شوک های اقتصادی. از آنجا که اقتصاد مقاومتی یک برنامه پژوهشی جامع است، بایستی با بهره گیری از همه این منابع به دنبال ارائه راه کار و الگویی همه جانبه باشد.

۴. محورهای نقد

باتوجه به توضیحات ارائه شده، در این مقاله برای تشخیص کارایی و اثربخشی مطالعات اقتصاد مقاومتی همه آنها براساس هشت محور ارزیابی مورد بررسی قرار می گیرند که نمای آنها در شکل ۱ آمده است.



شکل ۱.

۱.۴ بهره‌گیری متوازن از تمام منابع معرفتی

همان‌گونه‌که پیش‌تر نیز گفته شد، چهار منبع معرفتی برای نظریه‌پردازی در حوزه اقتصاد مقاومتی وجود دارد. بررسی مقالات نشان از توجه بسیار به اندیشه رهبری (بیانات و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی) و غفلت نسبی از سایر منابع است. بیان تعریف اقتصاد مقاومتی با استفاده از بیانات رهبری درست و به‌جاست، زیرا ایشان مبدع این اصطلاح هستند، اما صرف بازتولید این بیانات نمی‌تواند پیش‌برنده باشد. در واقع، کارکرد اصلی بیانات رهبری ایجاد دانش نیست، بلکه عمدتاً ایجاد انگیزه برای شکل‌گیری شبکه‌ای از محققان از طریق ایجاد ذهنیت مشترک و ایجاد وفاق حول موضوع پژوهش و اولویت بالای آن است. بنابراین، تمرکز بیش از حد روی سخنان رهبری و تحلیل محتوای بیانات به روش‌های مختلف اگرچه در ابتدا پسندیده است، پس از مدتی فقط به همان‌گویی و بداهه‌گویی منجر می‌شود. از ۷۶ مقاله ۶ مقاله کاملاً به بیانات رهبری و سیاست‌های ابلاغی ایشان اختصاص دارد و در برخی دیگر بخش ابتدایی مقاله از جمله ابعاد اقتصاد مقاومتی از سخنان ایشان استخراج شده، اما اولویت‌بندی با استفاده از روش‌های دیگر صورت گرفته است. در ادامه، به نمونه‌هایی اشاره می‌شود.

میرمعزی (۱۳۹۱) به‌دنبال ارائه تفسیری روشن از اقتصاد مقاومتی صرفاً در بیانات رهبری بوده و به بازتولید صحبت‌های ایشان در این زمینه می‌پردازد. نویسنده در این مقاله، ضمن تکرار سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که توسط رهبری بیان شد، سخنان ایشان را در مورد مردمی کردن اقتصاد، حمایت از تولید ملی، مدیریت مصرف، مدیریت بهینه واردات، مدیریت بهینه منابع مالی، بهبود فضای کسب‌وکار، پدیدساختن اقتصاد دانش‌بنیان، کاهش وابستگی به نفت، مبارزه با مفاسد اقتصادی، حرکت براساس برنامه، و حفظ وحدت و انسجام ملی تکرار می‌کند؛ بدون آن‌که دانش جدیدی اضافه کند.

کامفیروزی و همکاران (۱۳۹۳) با استفاده از روش داده‌بنیاد به استخراج مقوله‌های اقتصاد مقاومتی از سخنان رهبری پرداخته و با استفاده از روش دیماتل خاکستری به بررسی چگونگی تأثیر و نقش هر شاخصه در فرایند اثرگذاری بین عوامل می‌پردازند. نکته مثبت مقاله توجه به کل بیانات اقتصادی رهبری از ابتدای رهبری ایشان است، اما نکته منفی آن این است که درحالی‌که رهبری از متخصصان خواسته‌اند ابعاد اقتصاد مقاومتی را روشن کنند، آن‌ها معتقدند: «بررسی اندیشه‌های مقام معظم رهبری در حوزه مسائل اقتصادی یگانه راه موجود برای پرهیز از انحراف در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی است»

(کامفیروزی و همکاران ۱۳۹۳: ۷۱). نتیجه آن که پس از بررسی فراوان و استفاده از تحلیل‌های نسبتاً پیچیده ریاضی (روش دیماتل خاکستری) به این نتیجه می‌رسند که با استفاده از فرایند فرهنگ‌سازی و نیز سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در سطح کلان، صنایع و افراد را باید به سمت افزایش کیفیت محصولات خود پیش برد. این کار موجب قدرت‌گرفتن برند داخلی و مصرف محصولات داخلی شده که نتیجه آن تمایل شرکت‌ها به افزایش سرمایه‌گذاری و افزایش مستقیم اشتغال و کارآفرینی است که موجب حرکت به سمت اقتصاد بدون نفت می‌شود (همان). این افزایش کیفیت محصولات داخلی اساساً جزء سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و مورد تأکید رهبری است و رسیدن بدان نیازی به این تحلیل داده‌های پیچیده ندارد! تکرار آن چه در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی آمده در نتیجه‌گیری مقالات یعنی همان‌گویی و این ناشی از استفاده صرف از سخنان رهبری است.

رهبر و همکاران (۱۳۹۳) از مقالاتی است که بدون مانور روی بیانات رهبری از دو منبع اصلی معارف اسلامی (بررسی تاریخی - تفسیری جنگ احزاب) و تلفیق دانش اقتصادی ارتدکس و هترودکس (نظریه پیچیدگی) استفاده می‌کند و نظریه ارزش‌مندی ارائه می‌کند و نشان می‌دهد که در اقتصاد مقاومتی باید «همواره پیچیدگی شبکه‌ای از عوامل اجتماعی، فناورانه، سیاسی، و حتی ماوراءالطبیعی را به‌عنوان یک جهان‌بینی پس‌زمینه ذهنی سودمند، مدنظر داشت» (رهبر و همکاران ۱۳۹۳: ۱۵۷). داوودی و جعفریه (۱۳۹۳) نیز با توجه به اهمیت ساختار قدرت در جذب شوک‌های وارده به اقتصاد با استفاده از نظریه هترودکس نظام‌های چندمرکزی استروم به این نتیجه می‌رسند که «تعبیه و به‌کار بستن نهادها و کنش‌های جمعی با روابط علی پایین به بالا می‌تواند ابعاد مهمی از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را تأمین کند» (داوودی و جعفریه ۱۳۹۳: ۱۵۱). جالب آن که هر دو این مقالات مستخرج از رساله دکتری هستند. سمیعی اصفهانی و حبیبی (۱۳۹۴) با استفاده از نظریه پساتوسعه و مقایسه آن با رویکرد اقتصاد مقاومتی مؤلفه‌های جالبی را در دو بعد شباهت‌ها و تفاوت‌ها احصا می‌کند و بصیرت‌های مهمی در زمینه اقتصاد مقاومتی به دست می‌آورد که شاید بدون این نظریه به‌سختی قابل حصول بود. با وجود این، در نهایت یک دسته جملات کلی بیان می‌کند نظیر:

راه‌کار اقتصاد مقاومتی با حکم به عقلانیت اقتصادی و نهادینه‌کردن حمایت از تولید داخلی با اتکا بر همه ظرفیت‌های کشور، یک نقشه راه سازنده است که به مشارکت مردم، اصلاح مدیریت اجرایی و ساده‌زیستی مبتنی بر فرهنگ بومی، در عین توجه به کیفیت و تنوع تولیدات داخل اهتمام دارد (سمیعی اصفهانی و حبیبی ۱۳۹۴: ۷۱).

بسیاری از مطالعاتی که با نظریات اقتصاد رایج صورت گرفته‌اند عموماً ربطی به اقتصاد مقاومتی ندارند، چراکه با برداشتن این اصطلاح از عنوان آن‌ها باز هم معنادار هستند. مثلاً سیف و خوش‌کلام (۱۳۹۲) با فروکاهش اقتصاد مقاومتی به اقتصاد مقاوم در برابر تحریم‌ها به تدوین «نظام ارزی مطلوب اقتصاد ایران در اقتصاد مقاومتی» می‌پردازند. درحالی‌که این فروکاهش اشتباه است و تنها بخشی از اقتصاد مقاومتی را توضیح می‌دهد. سمیعی نسب (۱۳۹۳) نیز دچار چنین فروکاهش اشتباهی شده است. دیان‌تی دیلمی (۱۳۹۴) حساب‌داری مدیریت را ابزاری کارآمد در خدمت اقتصاد مقاومتی می‌داند؛ درحالی‌که حساب‌داری مدیریت، به‌عنوان یک ابزار قدرت‌مند در خدمت مدیریت، اختصاصی به اقتصاد مقاومتی ندارد. نثاری و همکاران (۱۳۹۴) با درپیش گرفتن پرسش چگونگی «تأمین منابع مالی پایدار شهرداری تهران در برنامه پنج‌ساله، با تأکید بر سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی» به این نتیجه می‌رسند که به‌دلیل ناپایداری بخش عمده‌ای از درآمد اصلی شهرداری‌ها بهتر است با مطالعه ساختار درآمدی و برپایه اقتصاد مقاومتی، راه‌کارهای جدیدی برای تأمین منابع درآمدی پایدار آن‌ها ارائه شود. راه‌کارهای پیشنهادی مقاله نظیر ارتقای سلامت اداری و اقتصادی و مبارزه با فساد، توسعه پایدار صنعت ایران‌گردی، بازنگری و اصلاح نظام درآمدها، بازنگری و اصلاح نظام مالی و حساب‌داری، تعیین قیمت روز املاک، ایجاد بانک اطلاعات املاک، و شفاف‌سازی مبنای محاسبات همه کلی و واضح است! البته پیش‌نهاد خوبی مانند جای‌گزینی درآمد مالیات زمین با درآمد فروش تراکم و صدور پروانه نیز دارد که ارتباط آن با اقتصاد مقاومتی روشن نیست.

از این‌ها جالب‌تر مطالعه عباس‌آباد عربی و همکاران (۱۳۹۳) است که به‌دنبال استخراج «مدل مفهومی اقتصاد مقاومتی با تأکید بر الگوی چابکی سازمان‌ها» هستند و به این نتیجه می‌رسند که برای دستیابی به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، چابک‌سازی سازمان‌ها ضرورت دارد، گویی اگر الزامات اقتصاد مقاومتی نبود، سازمان‌های کشور در وضعیت فعلی خود را می‌شد مطلوب تلقی کرد! درنهایت نیز چهار بعد تأمین نیازهای مشتریان، حداکثر تعامل و همکاری، مدیریت بهبود و مخاطرات و تقویت نیروی انسانی برای اقتصاد مقاومتی چابک پیش‌نهاد شده است!

معارف اسلامی منبع غنی دیگری هستند که تنها در سه مقاله مورد استفاده قرار گرفته‌اند. گویا پژوهش‌گران از کانال اندیشه رهبری و به‌صورت غیرمستقیم از اندیشه دینی استفاده می‌کنند که اگرچه لازم است، کافی نیست. به‌جز رهبر و همکاران (۱۳۹۳)، که عمدتاً رویکرد تفسیری در استفاده از اندیشه دینی را برگزیده‌اند و قبلاً بدان اشاره شد،

مطالعات اقتصاد مقاومتی: غلبه متن پژوهی بر نظریه و واقعیت! ۱۶۳

مضمون سایر پژوهش‌ها به صورت زیر است. حیدری کتابیونچه و همکاران (۱۳۹۴)، به استخراج مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در سیره عالمان دینی متأخر می‌پردازند. سیدحسین‌زاده یزدی و شریف‌زاده (۱۳۹۵) با احصای تهدیدهای اقتصادی عصر نبوی از جمله تحریم اقتصادی - اجتماعی شعب ابی‌طالب، مصادره اموال و دارایی‌های مسلمانان، محاصره و انحصار تجاری قریش، محاصره نظامی - اقتصادی احزاب و تهدید به تحریم اقتصادی منافقان با استفاده از روش تحلیل داده‌بنیاد، مفهوم‌ها، و مقوله‌های سیره پیامبر اکرم در مقابله با هریک از تهدیدهای اقتصادی پیش‌گفته را استخراج می‌کنند.

در نهایت، آخرین منبع تجربیات تاریخی و جهانی است که فقط در دو مطالعه قابل مشاهده است. حسنی و نصر دهزیری (۱۳۹۳) با مقایسه تحریم‌های اقتصادی دو دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۹۰ به دنبال پاسخ بدین پرسش است «که مقایسه اقتصاد سیاسی دهه ۱۳۳۰ و اقتصاد مقاومتی دهه ۱۳۹۰، کاربرد کدام یک از تحریم‌های اقتصادی غرب را کارا می‌سازد؟» این پرسش با آن‌که جالب است، اما نتایج باز هم از نوع کلی‌گویی است که شاید دلیل آن عدم ورود عمیق به تحریم‌های دهه ۱۳۳۰ است که تنها دو صفحه بدان اختصاص دارد. روحانی و نمازی (۱۳۹۶) با بررسی اقدامات متقابل روسیه علیه تحریم‌های اقتصادی غرب، که به دنبال الحاق کریمه به خاک روسیه بر روسیه اعمال شد، و با هدف استخراج توصیه‌های سیاستی برای کشور به این نتیجه می‌رسند که برخی از مهم‌ترین اقدامات روسیه عبارت‌اند از: ضربه‌زدن به منافع کشورهای تحریم‌کننده به کمک تحریم واردات، کاهش وابستگی به دلار و یورو در تجارت خارجی، و انعقاد پیمان‌های پولی دوجانبه. باتوجه به آثار مثبت تجربیات تاریخی و جهانی برای کشور، جا دارد مطالعاتی از این دست بیش‌تر انجام شود.

۲.۴ پرداختن به مسائل اصلی اقتصاد مقاومتی

یکی از راه‌های پی‌بردن به مسائل اصلی کشور در حوزه اقتصاد مقاومتی رجوع به متن سند سیاست‌های ابلاغی است. این سند ۲۴ بند دارد که هر کدام به یکی از مسائل اصلی کشور در حوزه اقتصاد می‌پردازد. به صورت فشرده می‌توان اولویت‌های اصلی کشور را به صورت زیر برشمرد: توسعه کارآفرینی، توسعه اقتصاد دانش‌بنیان، رشد بهره‌وری نیروی کار، کاهش شدت مصرف انرژی، ارتقای شاخص‌های عدالت اجتماعی، سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آن‌ها در ایجاد ارزش، افزایش تولید داخلی نهاده‌ها، و کالاهای اساسی (به‌ویژه در اقلام وارداتی)، تأمین امنیت غذا و درمان، ترویج مصرف

کالاهای داخلی، برنامه‌ریزی برای ارتقای کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید، اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور، حمایت از صادرات کالاها، توسعه هدف‌مند حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور، افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور، مقابله با ضربه‌پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز، افزایش ذخایر راه‌بردی نفت و گاز کشور، افزایش ارزش افزوده صنعت نفت و گاز، صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور، اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی، قطع وابستگی بودجه به نفت، شفاف‌سازی اقتصاد، تقویت فرهنگ جهادی در حوزه اقتصاد، گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی، اجرای برنامه کلان پدافند غیرعامل در حوزه اقتصاد توسط دولت، شفاف و روان‌سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری، و در نهایت افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی و ترویج آن.

مرور عناوین مطالعات در حوزه اقتصاد مقاومتی نشان می‌دهد که بسیاری از این حوزه‌ها مغفول مانده است مثلاً در حوزه‌های اصلاح نظام مالی کشور، شفاف‌سازی اقتصاد، تقویت فرهنگ جهادی، گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی، قطع وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی، و افزایش ارزش افزوده صنعت نفت و گاز هیچ پژوهش کاربردی منتشر شده‌ای وجود ندارد.

۳.۴ ارائه راه‌کارهای عملیاتی برای پیاده‌سازی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

مهم‌ترین نقد وارد بر مقالات اقتصاد مقاومتی این است که در این مقالات کم‌تر الگویی برای پیاده‌سازی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ارائه شده است. البته کارهایی در این زمینه صورت گرفته، اما الگویی جامع که مورد پذیرش همه خبرگان بوده و بتوان براساس آن سیاست‌گذاری کرد، هنوز ارائه نشده است.

اقتصاد مقاومتی ماهیتاً نیازمند اقدامات علمی است و لذا مطالعاتی که در این زمینه انجام می‌شوند باید به سیاست‌گذاری یا پیش‌نهادات سیاستی مشخص و کاربردی بینجامند. این در حالی است که این مقالات یا صریحاً بدین کار نپرداخته‌اند یا آن‌که سیاست‌هایی که مطرح کرده‌اند کلی‌گویی و بدیهی‌گویی بوده است، به گونه‌ای که بدون نیاز به پژوهش نیز چنین توصیه‌ای قابل ارائه بوده است. مثلاً مهم‌ترین توصیه یک مقاله این است که اقتصاد مقاومتی با وجود تولید داخلی شکل می‌گیرد و در تولید داخلی هم باید با روش‌های جدید حسابداری، نقش و سهم عوامل را بررسی کرد! (دیانتی دیلمی ۱۳۹۴: ۷۹).

نظرپور و لطفی نیا (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان «نقش بورس اوراق بهادار در تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی» به این نتیجه می‌رسند که بورس اوراق بهادار از طریق تأمین مالی شرکت‌های دانش‌بنیان، واگذاری بنگاه‌های دولتی در قالب عرضه سهام، حمایت از تولید، عرضه کالاهای استراتژیک در بورس تخصصی کالا و بین‌المللی شدن خود در تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نقش به‌سزایی دارد! اگر این‌گونه است، پس سال‌هاست که بورس‌های بزرگ دنیا در حال حرکت به سمت اقتصاد مقاومتی هستند! اصولاً یکی از مشکلات بزرگ پژوهش‌های اقتصاد مقاومتی آن است که تفاوت اقتصاد مقاومتی با اقتصاد در شرایط عادی برای عمده محققان روشن نیست و بدین دلیل کل پژوهش بر مبنای نادرستی بنا می‌شود. خوانساری و قلیچ (۱۳۹۴) شفافیت و سلامت نظام بانکی و فساد مالی اندک، استقرار نظام اعتبارسنجی مشتریان و پایین‌بودن سطح مطالبات معوق در نظام بانکی را از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی کشور می‌شمارند (خوانساری و قلیچ ۱۳۹۴: ۹۱) که مشابه پژوهش پیشین وظیفه عادی نظام بانکی در شرایط مقاومتی و غیرمقاومتی است و ربطی به شرایط خاص امروز کشور ندارد! رحمان‌پور و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود به ارائه برنامه درسی مطلوب پیش‌نهادی اقتصاد مقاومتی می‌پردازند که باز هم کلی‌گویی و بداهه‌گویی است. مثلاً در این برنامه روش‌های آموزشی عبارت‌اند از ترکیبی از روش‌های مستقیم و غیرمستقیم، روش سخن‌رانی، بحث، گردش علمی، اکتشافات هدایت‌شده، و کاوش‌گری! (رحمان‌پور و همکاران ۱۳۹۴: ۵۶).

هم‌چنان‌که در بخش قبل گفته شد، عمده مطالعاتی که براساس بیانات رهبری شکل گرفته‌اند در نهایت به سیاست‌های بدیهی و کلی رسیده‌اند. حال تفاوتی ندارد که بیانات رهبری را با روش‌های پیچیده اولویت‌بندی کرده باشند (مانند کامفیروزی و همکاران ۱۳۹۳) یا از روش‌های کیفی استفاده کرده باشند. مثلاً فرتوک‌زاده و همکاران (۱۳۹۳) ابتدا مفهوم اقتصاد مقاومتی و ماهیت، اهداف و مؤلفه‌های آن از دیدگاه مقام معظم رهبری را معرفی کرده و سپس با استفاده از رویکرد گروه کانونی آن‌ها را به بحث در میان نخبگان می‌گذارند. نتیجه آن‌که:

صنعت دفاعی از طریق سرریزهای فناورانه، ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری، کمک به تحریک تقاضای دانش‌بنیان و کمک به نوآوری نهادی برای رفع گلوگاه‌های نهادی که مانع از پیشرفت کسب‌وکارهای راه‌بردی در سطح ملی هستند، منجر به ارتقای قابلیت‌های کشور در گذار به اقتصاد مقاومتی خواهد شد (فرتوک‌زاده و همکاران ۱۳۹۳: ۳۹).

این کار را صنایع دفاعی در سایر کشورهای پیش‌رو نیز انجام می‌دهند و نیازی به پژوهش و صرف هزینه نداشت!

هزاوئی و زیرکی حیدری (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان «اقتصاد مقاومتی؛ نماد مدیریت جهادی در اقتصاد سیاسی ایران»، پس از بازتولید صحبت‌های رهبری در مورد الزامات اقتصاد مقاومتی به این نتیجه جالب می‌رسند که اقتصاد مقاومتی به‌عنوان نماد مدیریت جهادی می‌تواند عامل مؤثری برای ایجاد تحول اساسی در اقتصاد سیاسی ایران باشد. درحقیقت، نویسندگان محترم این مقاله ضمن بازگشت به خانه اول، به این نتیجه رسیده‌اند که این مفهوم می‌تواند تحولات مؤثری را در کشور ایجاد کند. حال آن‌که چهار سال قبل رهبری این مفهوم را به‌سبب همین امر بیان کرده‌اند!

از معدود مطالعات جالب توجه در زمینه سیاست‌گذاری می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: سیف (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «مقدمه‌ای بر نقشه راه پیاده‌سازی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران»، به بررسی نقشه راه پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی پرداخته و سه سطح کلان در این زمینه شامل سطح زیرین یا توان‌مندسازی درونی، سطح میانی یا پایدارسازی ذاتی، و سطح زبرین یا الهام‌بخشی جهانی را به‌عنوان گام‌های پیاده‌سازی و تحقق اقتصاد مقاومتی شناسایی و نتایج حاصل از هر کدام را بیان کرده است. اما به‌طور روشن، چگونگی پیاده‌سازی این گام‌ها را مشخص نمی‌کند.

هم‌چنین انصاری (۱۳۹۵)، در مطالعه خود در پی پاسخ به پرسش «چیستی عناوین و ترتیب اولویت راه‌بردها، سیاست‌ها، و اقدامات مرتبط با پیاده‌سازی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش از نظر خبرگان، صاحب‌نظران، و متصدیان» بوده است. نتیجه پژوهش آن است که راه‌بردهای ۱. گسترش مشارکت و سهم آموزش و پرورش در توسعه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی و تخفیف نابرابری در توزیع درآمد، ۲. افزایش کارایی و بهره‌وری در تولید و ارائه خدمات آموزشی، و ۳. برابرسازی دسترسی به فرصت‌های آموزشی و بهره‌مندی از آموزش، به‌ترتیب دارای اولویت بوده و اقداماتی نیز برای پیاده‌سازی این اولویت‌ها مطرح کرده است. این مقاله از معدود مقالاتی است که اولویت را مشخص کرده و سپس اقدام عملی تعیین کرده است. هرچند اقدامات عملی کلی است.

سمیعی‌نسب و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله «مدل مفهومی مطلوب امنیت غذایی جمهوری اسلامی ایران در منظومه اقتصاد مقاومتی» با هدف تدوین مدل مفهومی امنیت غذایی شامل شاخصه‌های اجرایی مقاوم‌سازی امنیت غذایی به‌خوبی از هر چهار منبع پیش‌گفته (منظومه فکری رهبری، معارف اسلامی، دانش اقتصاد، و تجربیات جهانی)

بهره برده و یک مدل مفهومی تفصیلی ارائه می‌دهند که اگرچه باز هم کلی‌گویی به نظر می‌رسد، تمام ابعاد موردنیاز را در خود جمع کرده که می‌تواند با شاخص‌سازی برای ارزیابی امنیت غذایی کشور و مقدار توفیق سیاست‌گذاری‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

۴.۴ جامع‌نگری و عدم توقف در حوزه اقتصاد

اقتصاد مقاومتی طبق ماهیت خود و برخلاف آنچه ممکن است عبارت آن به ذهن متبادر کند، محدود به حوزه نظریات اقتصادی نیست یعنی تولید دانش در زمینه اقتصاد مقاومتی تنها درون دانش اقتصاد اتفاق نخواهد افتاد. حتی به نظر می‌رسد بررسی اقتصاد مقاومتی در علوم مهمی نظیر پزشکی، تعلیم و تربیت، برنامه‌ریزی آموزشی، و ... اولویت بالاتری نسبت به بررسی آن صرفاً در علم اقتصاد داشته باشد. مثلاً، بررسی میزان وابستگی کشور در صنعت پزشکی و ارائه راه‌کار برای مقاوم‌سازی این صنعت در برابر تهدیدها می‌تواند به مراتب جایگاه اقتصاد مقاومتی را در سیاست‌های کشور بهبود بخشد. لذا سایر صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف از حوزه‌های نزدیک به اقتصاد مانند فروش و قیمت‌گذاری نفت گرفته تا حوزه‌های دورتر مانند برنامه‌ریزی درسی و الگوی غذایی باید در آن مشارکت داشته باشند.

این درحالی است که بررسی مقالات تألیف‌شده در این حوزه نشان‌دهنده غیبت یا حضور کم‌رنگ شاخه‌های مهمی از دانش علوم انسانی از جمله علوم اجتماعی، روان‌شناسی، و علوم تربیتی، معارف اسلامی (فقه، کلام، تفسیر، و فلسفه)، و ادبیات و حقوق است. بیش‌ترین حوزه‌های دارای سهم پس از اقتصاد عبارت‌اند از: علوم سیاسی، مدیریت، و برنامه‌ریزی درسی.

۵.۴ پژوهش‌های موردی کاربردی

بدیهی است که درکنار پژوهش‌های نظری فراگیر، باید پژوهش‌های موردی و مسئله‌محور نیز انجام گیرد که بیش‌تر از آن‌که به ارائه نظریه پردازد، به کاربرد نظریات تا رسیدن به توصیه‌های سیاستی بسیار مشخص و بلافاصله قابل کاربرد پردازد. در این زمینه متأسفانه وضعیت مطلوبی وجود ندارد. عمده مقالات یا نظری بوده یا سیاست‌های پیش‌نهادی آن‌ها، هم‌چنان‌که قبلاً بیان شد، کلی‌گویی یا بدیهی‌گویی است. از معدود مطالعات کاربردی از این دست می‌توان به مطالعه طاهری‌فرد و دیباوند (۱۳۹۵) اشاره کرد که با «بررسی قراردادهای نفتی ایران (IPC) در چهارچوب شاخص‌های اقتصاد مقاومتی» به این نتیجه می‌رسند که

قراردادهای نفتی ایران، از لحاظ تأمین منابع مالی خارجی و تولید صیانتی بیش‌ترین سازگاری و از جنبه تکمیل زنجیره ارزش و توان‌افزایی شرکت ملی نفت کم‌ترین سازگاری را با شاخص‌های اقتصاد مقاومتی دارند. در نهایت نیز پیش‌نهاد تخصصی مناسبی ارائه داده است. دومین مقاله مفید کاربردی از آن درخشان (۱۳۹۳) با عنوان «قراردادهای نفتی از منظر تولید صیانتی و ازدیاد برداشت؛ رویکرد اقتصاد مقاومتی» است. وی با تمرکز روی قراردادهای نفتی از منظر تولید صیانتی و ازدیاد برداشت و با توجه به تعارض‌های ساختاری بین اهداف شرکت‌های نفتی بین‌المللی و شرکت ملی نفت ایران، که اولی مبتنی بر حداکثرسازی سود در چهارچوب اصول بنگاه‌داری و دومی مبتنی بر حداکثرسازی ارزش اقتصادی مخازن در چهارچوب تأمین منافع ملی در بلندمدت است، به این نتیجه می‌رسد که هیچ‌گاه نمی‌توان قرارداد بهینه‌ای با شرکت‌های بزرگ نفتی منعقد کرد که متضمن الزامات اقتصاد مقاومتی باشد. تنها قراردادهای حمایتی و همکاری‌های فنی و مدیریتی با شرکت‌های خدمات نفتی می‌تواند با اصول اقتصاد مقاومتی هماهنگ باشد.

۶.۴ شاخص‌سازی و ارزیابی عملکرد

یکی از زمینه‌هایی که به شدت مورد کم‌لطفی و غفلت محققان قرار گرفته شاخص‌سازی جهت سنجش اقتصاد مقاومتی است؛ به طوری که در مقالات علمی - پژوهشی هیچ مقاله‌ای که شاخص کلی برای سنجش اقتصاد مقاومتی معرفی کرده باشد را نمی‌توان پیدا کرد. البته برخی محققان نظیر فروغی‌زاده (۱۳۹۳)، در پایان‌نامه خود به بررسی این موضوع پرداخته‌اند، اما به صورت مقاله به چاپ نرسیده است.

هم‌چنین، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۳) در گزارشی با عنوان «ارزیابی شاخص‌های جهانی برای سنجش درجه مقاومت اقتصادی درباره سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی» شاخص‌های جهانی موجود برای سنجش درجه مقاومت اقتصادی ایران را مورد ارزیابی قرار داد؛ که همان‌طور که مشخص است، بدون ارائه الگوی جدید، صرفاً به محاسبه شاخص‌های موجود جهانی برای اقتصاد ایران پرداخته است.

ستاد فرمان‌دهی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۵) نیز با ارائه گزارشی با عنوان «مستندات اجرایی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (۳)» شاخص‌هایی را به منظور ارزیابی برنامه‌های اقتصاد مقاومتی ارائه کرده است. بررسی این شاخص‌ها نشان از کاستی‌های عمده در این زمینه دارد. مثلاً، در این گزارش یکی از برنامه‌ها «ارتقای بهره‌وری» پیش‌نهاد شده و برخی شاخص‌های اندازه‌گیری آن نیز شاخص بهره‌وری نیروی کار بر حسب تقسیم تولید

ناخالص داخلی بر تعداد شاغلان کشور یا نرخ رشد بهره‌وری کل عوامل تولید و امثال این‌ها پیش‌نهاد شده است. اکثر این شاخص‌ها همان‌هایی است که قبلاً در برنامه‌های توسعه هم پیش‌نهاد شده بود. بنابراین، چنان‌چه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و اساساً مفهومی با این نام شکل نمی‌گرفت هم، باز همین شاخص‌ها و برنامه‌ها به چشم می‌خورد.

در زمینه ارزیابی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی نیز هیچ مطالعه‌ای مشاهده نشد که باید دلایل آن روشن شود. شاید یکی از دلایل آن دولتی بودن قریب‌به‌اتفاق اعتبارات پژوهشی است که موجب احتیاط پژوهش‌گران و مجلات می‌شود و روحیه آزاداندیشی را از آن‌ها سلب می‌کند. باتوجه به ضرورت این نوع مطالعات، در صورت نیاز می‌توان از منابع مالی و نهادهای حاکمیتی غیردولتی برای انجام پژوهش‌های مستقل در این زمینه بهره برد.

۷.۴ تخصص‌گرایی و میزان تمرکز محققان

اساساً برای شکل‌گیری یک نظام پژوهشی درمورد یک موضوع خاص بایستی مطالعات و تحقیقات زیادی صورت گیرد و به‌صورت دنباله‌دار این مطالعات تکمیل و حتی اصلاح شوند. اما متأسفانه در بحث اقتصاد مقاومتی شاهد آن هستیم که اکثر محققانی که در این زمینه فعالیت کرده‌اند به یک مقاله بسنده کرده و کار بیش‌تری انجام نداده‌اند. هفتادوشش پژوهش موردمطالعه این مقاله را ۶۴ پژوهش‌گر متفاوت (نویسنده مسئول) نوشته‌اند و تنها شش پژوهش‌گر (ده درصد) بیش از یک پژوهش در حوزه اقتصاد مقاومتی انجام داده‌اند. یعنی پنجاه‌وهشت محقق (نود درصد) فقط یک مقاله در این حوزه منتشر کرده‌اند! دلیل این امر نیازمند آسیب‌شناسی است، چراکه پژوهش‌های جزیره‌ای، که شاید برخی از آن‌ها سفارش مجله یا مستخرج از پایان‌نامه دانشجوی بوده است، نمی‌تواند به تولید دانش موردنیاز منجر شود. نکته جالب دیگر آن‌که دو نفر از پژوهش‌گران حوزه اقتصاد مقاومتی که سخن‌رانی‌های متعدد و تألیف کتاب در این زمینه دارند (حجت‌الله عبدالملکی و عادل پیغامی)، نویسنده هیچ مقاله‌ای نیستند که باز هم جای تعجب و تحقیق دارد.

جدول ۱. فراوانی نویسندگان اقتصاد مقاومتی منبع: یافته‌های پژوهش

شرح	نفر
نویسندگانی با یک مقاله	۵۸
نویسندگانی با دو مقاله	۳
نویسندگانی با سه مقاله و بیش‌تر	۳

جدول ۱ نشان می‌دهد که در میان محققانی که در زمینه اقتصاد مقاومتی به‌عنوان نویسنده اول مقاله علمی - پژوهشی چاپ کرده‌اند، فقط سه نفر بیش از دو مقاله داشته‌اند و نود درصد نویسندگان فقط یک مقاله را به‌چاپ رسانده‌اند که نشان‌دهنده عدم وجود مطالعات پیوسته در بین محققان در این زمینه است.

نکته مهم دیگر میزان تمرکز تألیفات نویسندگان دارای سه مقاله و بیش‌تر است. هرچه تمرکز نویسنده‌ای بر یک حوزه خاص بیش‌تر باشد، انتظار می‌رود پس از مدتی سیاست‌های بهتری برای کشور تجویز کند. تنها سه محقق به‌عنوان نویسنده مسئول سه مقاله و بیش‌تر داشتند که پژوهش‌ها تقریباً در حوزه‌های مختلفی قرار داشته است.

سجاد سیفلو که سه پژوهش را به‌تألیف کرده است، در اولی به مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی (سیفلو ۱۳۹۳ الف)، در دومی به دفاع غیرعامل (۱۳۹۳ ب)، و در سومی به بانک‌داری مقاومتی (۱۳۹۵) پرداخته است. الله‌مراد سیف پژوهش‌گری است که به‌عنوان نویسنده اول، تألیف پنج مقاله را برعهده داشته است و تقریباً تنها پژوهش‌گری است که می‌توان گفت اقتصاد مقاومتی را یکی از حوزه‌های پژوهشی اصلی خود قرار داده است که این پنج مقاله تقریباً به حوزه‌های مختلف اقتصاد مقاومتی تعلق دارند: یکی به پیش‌نهاد الگو در ابعاد کلان می‌پردازد (سیف ۱۳۹۱)، دومی به‌دنبال ایجاد نقشه راهی برای پیاده‌سازی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است (سیف ۱۳۹۲)، سومی به حوزه تجارت بین‌الملل (سیف و حافظیه ۱۳۹۲)، چهارمی به نظام ارزی (سیف و خوش‌کلام خسروشاهی ۱۳۹۲)، و پنجمی براساس سیاست‌های کلی ابلاغی اقتصاد مقاومتی به‌دنبال ارائه الگوی کارآیی در زمینه‌های تخصیصی و انطباقی در اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران است (سیف و کمالی ۱۳۹۳). مصطفی سمیعی‌نسب نیز در کسوت نویسنده اول سه مقاله دارد، اما این سه مقاله نیز سه حوزه متفاوت دارند. یکی به نقش دیپلماسی اقتصادی در مقابله با تحریم‌های اقتصادی می‌پردازد (سمیعی‌نسب ۱۳۹۳)، دومی به حوزه امنیت غذایی مربوط است (سمیعی‌نسب و دیگران ۱۳۹۵)، و سومی به‌دنبال نقد برنامه‌های درسی رشته علوم اقتصادی کشور و ارائه طرحی برای دوره کارشناسی ارشد اقتصاد مقاومتی است (سمیعی‌نسب و سلیمانی ۱۳۹۵).

۸.۴ درک جامع از اقتصاد مقاومتی و توجه به همه ابعاد آن

هم‌چنان‌که قری (۱۳۹۵) هم بیان می‌کند، هنوز بین صاحب‌نظران درمورد تعریف اقتصاد مقاومتی اتفاق نظر وجود ندارد. در قسمت‌های پیشین هم نشان داده شد که یکی از آفات

بسیاری از پژوهش‌ها فروکاهش اقتصاد مقاومتی به اقتصاد تحت تحریم است. اگر این گفته صحت داشت، مطمئناً نیازی به جعل اصطلاح جدید وجود نداشت. لذا این درک ناقص از اقتصاد مقاومتی موجب اریب‌دارشدن پژوهش صورت گرفته از همان ابتدای کار می‌شود، اگرچه نتایج آن مطمئناً صحیح است، کافی نیست و تنها بخش محدودی از موضوع را پوشش می‌دهد.

شاید اگر مقدمه سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی با دقت بیش‌تری مطالعه شود و در عباراتی هم‌چون «الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی که همان اقتصاد مقاومتی است» یا «اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت‌بنیان، درون‌زا، و برون‌گرا، پویا، و پیش‌رو را محقق سازد و الگوی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد» یا «سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیش‌رو، و برون‌گرا» تأمل بیش‌تری شود، هم فهم جامع‌تری از اقتصاد مقاومتی حاصل شود و هم موضوعات موردنیاز پژوهش بیش‌تری کشف شود.

حداقل ثمره این مطالعه جلوگیری از فهم اشتباه اقتصاد مقاومتی است. آجیلی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «اقتصاد مقاومتی در نظام اقتصاد سیاسی جهانی» به این نتیجه می‌رسد که جمهوری اسلامی ایران برای تحقق کم‌هزینه‌تر اقتصاد مقاومتی می‌بایست در حوزه نقاط قوت و مزیت‌های نسبی و رقابتی خود، در تعامل و درهم‌تنیدگی بیش‌تری با اقتصاد جهانی قرار گیرد تا هزینه تحریم و تهدید نظامی درقبال خود را افزایش دهد و منافع و امنیت ملی دیگر کشورها را در امتداد منافع و امنیت ملی خود قرار دهد. این استدلال صحیح نیست، چراکه حجم اقتصاد ایران (کم‌تر از یک درصد اقتصاد جهانی) به اندازه‌ای نیست که این درهم‌تنیدگی بتواند دشمنان را از تحریم ایران پشیمان کند. درعوض، بیش‌ترین ضربه را به کشور خواهد زد. این توصیه سیاستی اشتباه به دلیل عدم توجه هم‌زمان به درون‌زایی و برون‌گرایی است.

مرور مطالعات نشان از غفلت پژوهش‌ها از بسیاری از ابعاد اقتصاد مقاومتی دارد، از جمله واضح‌نبودن معانی، سیاست‌ها، و شاخص‌های مؤلفه‌هایی هم‌چون درون‌زایی، برون‌نگری، جهادی، انعطاف‌پذیری، فرصت‌سازی، و مولدیت. که برای این خلأ باید فکری جدی کرد.

۵. نتیجه‌گیری

پس از آن‌که مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۹ اولین بار مفهوم «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردند، محافل علمی و آکادمیک درخصوص نظریه‌پردازی درمورد آن به

تکاپو درآمده و پژوهش‌گران براساس برداشت‌های خویش به تبیین این مفهوم اقتصادی پرداختند. اما متأسفانه اصرار زیاد برخی نویسندگان به بازتولید صحبت‌های رهبری و حتی در برخی موارد برداشت سطحی و غیرروش‌شناسانه از صحبت‌های ایشان، زمینه را برای بهانه‌جویی و اثبات نظریه برخی افراد درباره عدم وجود مفهوم جدیدی با عنوان «اقتصاد مقاومتی» یا تکراری بودن آن در قالب جدید و با همان محتوای اقتصاد ریاضتی غرب فراهم ساخت. هم‌چنین دست برنامه‌ریزان را برای تدوین نقشه جامع کشور برای نیل به اهداف سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بسته گذاشته است. حال آن‌که مفهوم اقتصاد مقاومتی نیازمند نقشه راه است و دست نامرئی نمی‌تواند آن را در عمل پیاده سازد.

بنابراین، مقاله حاضر، ضمن بررسی مقالات علمی - پژوهشی انتشار یافته با عنوان یا کلیدواژه اقتصاد مقاومتی، آن‌ها را در هشت محور مورد نقد قرار داده است. البته همواره ارائه نقد بدون ارائه راه‌حل کار آسانی بوده و چندان راه‌گشا نخواهد بود. از این‌رو، مقاله حاضر ضمن ابراز ایراد به فضای موجود مبنی بر عدم شکل‌گیری و چاپ مقالات در زمینه نقد گفتمان اقتصادی، به ارائه راه‌کارهایی برای برون‌رفت از فضای حاکم پرداخته است. در فضای کنونی جامعه، اکثر محققان ضمن تعریف و تمجید از بحث اقتصاد مقاومتی، عموماً به کلی‌گویی و بداهه‌گویی در این زمینه پرداخته‌اند؛ حال آن‌که ابراز انتقاد به این موضوع و در مقابل دریافت پاسخ نقد می‌تواند عامل بسیار مهمی در زمینه پیشرفت گفتمان اقتصاد مقاومتی در کشور باشد.

به نظر می‌رسد ادامه روند فعلی تنها حرکت از گفتمان علمی به سمت تعصب مذهبی - سیاسی بوده و نه تنها کمکی به پیاده‌سازی مفاهیم و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در کشور نمی‌کند، بلکه به‌عنوان نوعی دفاع بد، زمینه را برای تأیید نظریه برخی افراد در مورد عدم وجود مفهوم اقتصاد مقاومتی یا تکراری بودن آن در قالبی جدید و با تبعیت از مفاهیم غربی فراهم می‌کند.

البته ناگفته نماند که در زمینه اقتصاد مقاومتی و ارائه راه‌کار و الگو برای پیاده‌سازی آن مقالات خوبی هم به چاپ رسیده، اما همان‌طور که شرایط کنونی جامعه نشان می‌دهد، محققان نتوانسته‌اند آن‌چنان که باید و شاید این مفهوم و روش‌های پیاده‌سازی آن در جامعه را تبیین کنند.

پژوهش حاضر به‌طور مشخص سه راه‌کار را به‌منظور پیشرفت این گفتمان در کشور مطرح می‌کند: نخست آن‌که در ارائه تعریف برای مفهوم اقتصاد مقاومتی بایستی از هر چهار منبع اصلی یعنی: ۱. معارف اسلامی در قالب قرآن، روایات، فقه، تفسیر، و غیره؛ ۲. منظومه

مطالعات اقتصاد مقاومتی: غلبه متن پژوهی بر نظریه و واقعیت! ۱۷۳

فکری رهبری به عنوان مبدع این استراتژی کلان؛ و ۳. دانش اقتصادی شامل مکاتب ارتدکس و هترودکس (دگراندیش)؛ و ۴. تجربیات عملی جهانی در مقابله با انواع تکانها و شوکهای اقتصادی بهره برده شود. استفاده صرف از هر یک از این چهار منبع نمی تواند تمامی ابعاد موضوع را به صورت کامل موردکنکاش قرار دهد.

به عنوان راه کار دوم، پژوهش حاضر پیش نهاد می کند که به شکل مرتب مطالعات اقتصاد مقاومتی توسط اندیشمندان مورد رصد و پایش قرار گیرد و فضای نقد مطالعات بیش از پیش در کشور شکل بگیرد؛ چراکه ابراز نقد و بیان پاسخ در برابر آن می تواند عاملی بسیار مهم در پیش برد مفهوم اقتصاد مقاومتی باشد.

سوم آن که ضرورت شاخص سازی جهت سنجش اقتصاد مقاومتی در کشور شدیداً احساس می شود. به هر حال، بایستی شاخصی مورد قبول همگان در این زمینه وجود داشته باشد تا بتوان بررسی کرد که سیاست ها و برنامه های دولت ها تا چه اندازه در عملی ساختن مفاهیم اقتصاد مقاومتی در کشور مؤثر بوده است.

پی نوشت

۱.

اقتصاد مقاومتی را همه تأیید می کنند و برای آن کمیسیون و کمیته تشکیل می دهند، اما کار پیش نمی رود که این مشکل نشان دهنده وجود یک گره علمی است و شناسایی و بازکردن آن کار استادان دانشگاه است (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با استادان دانشگاهها، مورخ ۱۳۹۶/۳/۳۱).

کتاب نامه

امام جمعه زاده، سید جواد و سید زکریا محمودی رجا (۱۳۹۴)، «تجزیه و تحلیل جایگاه اقتصاد مقاومتی در تحقق گفتمان الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و چشم انداز افق ۱۴۰۴»، *ره یافت / انقلاب اسلامی*، ش ۳۳.

انصاری، عبدالله (۱۳۹۵)، «پیاده سازی اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش؛ برنامه اقدام»، *مطالعات راهبردی بسیج*، ش ۷۰.

آجیلی، هادی (۱۳۹۲)، «اقتصاد مقاومتی در نظام اقتصاد سیاسی جهانی»، فصل نامه علوم سیاسی، ش ۲۴. تراب زاده جهرمی، محمدصادق، سیدعلیرضا سجادیه، و مصطفی سمیعی نسب (۱۳۹۲)، «بررسی ابعاد و مؤلفه های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای»، فصل نامه *مطالعات انقلاب اسلامی*، ش ۳۲.

- حسینی، مهدی و الماس نصر دهریزی (۱۳۹۳)، «اقتصاد سیاسی و اقتصاد مقاومتی؛ مقایسه تحریم‌های اقتصادی در دو دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۹۰»، دوفصل‌نامه پژوهش‌های سیاست اسلامی، ش ۶.
- حیدری کتابونچه، مهدی و سیدعلی محمدی متکازینی (۱۳۹۴)، «مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در سیره و تبلیغ عالمان دینی متأخر»، دوفصل‌نامه تاریخ اسلام در آینه پژوهش، ش ۳۹.
- خوانساری، رسول و وهاب قلیچ (۱۳۹۴)، «اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی با استفاده از روش تاپسیس فازی»، دوفصل‌نامه تحقیقات مالی - اسلامی، ش ۹.
- داوودی، پرویز و فاطمه‌سادات جعفریه (۱۳۹۳)، «نگرشی نهادی بر ساختارسازی قدرت در عرصه داخلی برای نیل به اقتصاد مقاومتی»، فصل‌نامه برنامه‌ریزی و بودجه، ش ۱۲۶.
- درخشان، مسعود (۱۳۹۳)، «قراردادهای نفتی از منظر تولید صیانتی و ازدیاد برداشت: رویکرد اقتصاد مقاومتی»، دوفصل‌نامه مطالعات اقتصاد اسلامی، ش ۱۲.
- دیانتی دیلمی، زهرا (۱۳۹۴)، «حساب‌داری مدیریت، ابزاری کارآمد در خدمت اقتصاد مقاومتی»، فصل‌نامه حساب‌داری مدیریت، ش ۲۵.
- رحمان‌پور، محمد، احمدرضا نصر اصفهانی، و سیدعلی سیادت (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه مبانی و اصول برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران با مضامین اقتصاد مقاومتی به‌منظور پیش‌نهاد برنامه درسی مطلوب»، فصل‌نامه دریافت انقلاب اسلامی، ش ۳۱.
- روحانی، سیدعلی و احسان نمازی (۱۳۹۶)، «تحریم‌های غرب علیه روسیه»، فصل‌نامه روابط خارجی، ش ۳۳.
- رهبر، فرهاد، امیرعلی سیف‌الدین، و امیرحسین رهبر (۱۳۹۳)، «ره‌یافتی بر هستی‌شناسی اقتصاد مقاومتی؛ تلاشی در جهت نگاه اسلامی به گذار سیستم‌های اقتصادی - اجتماعی»، فصل‌نامه روش‌شناسی علوم انسانی، ش ۷۸.
- زراءنژاد، منصور (۱۳۹۵)، «بررسی و نقد کتاب تحلیلی بر شاخص‌های کلان اقتصادی در ایران (با رویکرد اقتصاد مقاومتی)»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ش ۴۳.
- سمیعی اصفهانی، علی‌رضا و فاطمه حبیبی (۱۳۹۴)، «نظریه پساتوسعه و الگوی اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران؛ رویکردی مقایسه‌ای»، فصل‌نامه مطالعات راه‌بردی بسیج، ش ۶۶.
- سمیعی‌نسب، مصطفی (۱۳۹۳)، «دیپلماسی اقتصادی، راه‌برد مقابله با تحریم‌های اقتصادی در منظومه اقتصاد مقاومتی»، فصل‌نامه آفاق امنیت، ش ۲۵.
- سمیعی‌نسب، مصطفی و یاسر سلیمانی (۱۳۹۵)، «نقد رویکرد متعارف برنامه‌های درسی رشته علوم اقتصادی در کشور و طراحی دوره کارشناسی ارشد اقتصاد مقاومتی»، فصل‌نامه پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ش ۴۳.
- سمیعی‌نسب، مصطفی، یاسر سلیمانی، و سعید عبدی (۱۳۹۵)، «مدل مفهومی مطلوب امنیت غذایی جمهوری اسلامی ایران در منظومه اقتصاد مقاومتی»، فصل‌نامه آفاق امنیت، ش ۳۰.

مطالعات اقتصاد مقاومتی: غلبه متن پژوهی بر نظریه و واقعیت! ۱۷۵

سیدحسین زاده یزدی، سعید و محمدجواد شریف زاده (۱۳۹۵)، «سیره پیامبر اکرم (ص) در مقابله با تهدیدهای اقتصادی»، فصل نامه اقتصاد اسلامی، ش ۶۲.

سیف، الله مراد (۱۳۹۱)، «الگوی پیش نهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران»، فصل نامه آفاق امنیت، ش ۱۶.

سیف، الله مراد (۱۳۹۲)، «مقدمه‌ای بر نقشه راه پیاده‌سازی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران»، فصل نامه مطالعات راهبردی بسیج، ش ۶۱.

سیف، الله مراد و روزبه کمالی (۱۳۹۳)، «الگوی کارآیی تخصیصی و انطباقی در اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران (براساس سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری)»، فصل نامه آفاق امنیت، ش ۲۵.

سیف، الله مراد و علی اکبر حافظیه (۱۳۹۲)، «راهبردهای تجارت بین الملل اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران»، فصل نامه مطالعات راهبردی بسیج، ش ۶۰.

سیف، الله مراد و موسی خوش کلام خسروشاهی (۱۳۹۲)، «نظام ارزی مطلوب اقتصاد ایران در اقتصاد مقاومتی»، فصل نامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ش ۵۴.

سیفلو، سجاد (۱۳۹۳ الف)، «مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی»، دو فصل نامه معرفت اقتصاد اسلامی، ش ۱۰.

سیفلو، سجاد (۱۳۹۳ ب)، «اقتصاد مقاومتی راهبرد دفاع غیرعامل اقتصادی»، فصل نامه سیاست دفاعی، ش ۸۷.

سیفلو، سجاد (۱۳۹۵)، «طراحی الگوی بانکداری مقاومتی مطالعه موردی بانک نیازهای اساسی»، فصل نامه اقتصاد اسلامی، ش ۶۴.

طاهری فرد، علی و هادی دیواند (۱۳۹۵)، «بررسی قراردادهای نفتی ایران (IPC) در چهارچوب شاخص‌های اقتصاد مقاومتی»، فصل نامه آفاق امنیت، ش ۳۱.

عباس آباد عربی، احسان، مرضیه بابائیان پور، و رکسانا فکری (۱۳۹۳)، «مدل مفهومی اقتصاد مقاومتی با تأکید بر الگوی چابکی سازمان‌ها»، فصل نامه راهبرد، ش ۷۱.

فرتوک زاده، حمیدرضا، محمدرضا دره‌شیری، و جواد وزیری (۱۳۹۳)، «نقش صنعت دفاعی در گذار به اقتصاد مقاومتی»، فصل نامه آفاق امنیت، ش ۲۵.

فروغی زاده، یاسین (۱۳۹۳)، تبیین مفهومی اقتصاد مقاومتی و شاخص‌سازی و سنجش مقاومت‌پذیری اقتصاد ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

قربی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۵)، «رویکرد انتقادی درباره برداشت‌های رایج از اقتصاد مقاومتی در متون اقتصادی در ایران»، پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ش ۴۳.

کامفیروزی، محمدحسن، علی بنیادی نائینی، و سیده اشرف موسوی لقمان (۱۳۹۳)، «بررسی نقش عوامل در اقتصاد بدون نفت در الگوی اقتصاد مقاومتی»، فصل نامه اقتصاد اسلامی، ش ۵۲.

مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۳)، «درباره سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ارزیابی شاخص‌های جهانی برای سنجش درجه مقاومت اقتصادی»، معاونت پژوهش‌های اقتصادی، دفتر مطالعات اقتصادی، کد موضوعی ۲۲۰، شماره مسلسل ۱۴۱۳۹.

مستندات اجرایی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۵)، «شاخص‌های ارزیابی برنامه‌های اقتصاد مقاومتی»، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت هماهنگی برنامه و بودجه، امور شورای اقتصاد و اقتصاد مقاومتی.

میرجلیلی، سیدحسین (۱۳۹۵)، «بررسی و نقد متون خارجی در زمینه مقاومت و تاب‌آوری اقتصادی»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ش ۴۳.

میرمعزی، سیدحسین (۱۳۹۱)، «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)»، فصل‌نامه اقتصاد اسلامی، ش ۴۷.

نثاری، رضا، رسول منتظری، و نعمت حسین‌زاده (۱۳۹۴)، «راه‌بردهای تأمین منابع مالی پایدار شهرداری تهران در برنامه پنج‌ساله، با تأکید بر سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی»، فصل‌نامه اقتصاد و مدیریت شهری، ش ۱۱.

نظرپور، محمدنقی و یحیی لطفی‌نیا (۱۳۹۳)، «نقش بورس اوراق بهادار در تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی»، دوفصل‌نامه معرفت اقتصاد اسلامی، ش ۱۱.

نوری‌ساری، حجت‌اله (۱۳۹۲)، «تحلیل روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با انگلستان با تأکید بر اقتصاد مقاومتی»، مطالعات راه‌بردی بسیج، ش ۶۱.

هزاوئی، سیدمرتضی و علی زیرکی حیدری (۱۳۹۳)، «اقتصاد مقاومتی؛ نماد مدیریت جهادی در اقتصاد سیاسی ایران»، فصل‌نامه مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۳۷.